

واکاوی حکم فقهی مصرف محصولات تراریخته

سیدعلی دلبری^۱

محسن جهانگیری^۲

حسن رشیدآبادی^۳

چکیده

دیرزمانی نیست که محصولات تراریخته یا فراورده‌های دست‌کاری‌شده ژنتیکی وارد سفره مردم شده است. اهمیت توجه به تغذیه از نگاه اسلام، مستحذنه بودن این فناوری و عدم واکاوی قابل توجه نسبت به مستندات فقهی در مصرف مواد تراریخته، بررسی این مسئله را ضروری می‌سازد؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر به دنبال جواب این مسئله است که حکم فقهی مصرف محصولات تراریخته چیست؟

این نوشتار که به روش توصیفی تحلیلی است، بعد از تبیین موضوع، به بیان نظرات موافقان و مخالفان در رابطه با مزایا و معایب محصولات تراریخته و مستندات فقهی مربوط به استفاده از این محصولات پرداخته است. در همین راستا، به مفهوم‌شناسی واژگان و جایگاه بحث از منظر بهداشت و نیز موضوع‌شناسی محصولات تراریخته از نگاه متخصصان حوزه مهندسی، توجه شده است؛ همچنین اساس و ذات دستکاری ژنتیکی بر اساس آیات قرآن کریم و همچنین حکم فقهی آن با توجه به آیات و روایات و قواعد فقهی بررسی و تبیین گردیده است. نتیجه آن که حکم اولیه، با توجه به ادله ارائه شده، اباحه است و حکم ثانویه آن به ضرر یا عدم ضرر محصولات بستگی دارد.

کلیدواژه‌ها: تراریخته؛ ژنتیک؛ فقه پزشکی؛ فقه سلامت؛ حکم فقهی.

۱. استاد درس خارج حوزه علمیه خراسان. saddelbari@gmail.com

۲. دانشیار گروه فقه و اصول دانشگاه علوم اسلامی رضوی. dr.jahangiri@razavi.ac.ir

۳. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه خراسان. (نویسنده مسئول) f.moballeggh@chmail.ir

مقدمه

امروزه موضوع مصرف محصولات تراریخته (تغییر یافته ژنتیکی) و اثرات آن که به صورت چشمگیری وارد چرخه زندگی انسان شده و به یکی از مسائل مهم مردم و جامعه جهانی تبدیل گردیده است. این مسئله حیاتی، به طور مستقیم با تغذیه انسان سروکار دارد؛ از این رو نگرانی‌هایی نسبت به مصرف آن‌ها وجود دارد. این امر ممکن است ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و زیست فناوری نیز به همراه داشته باشد.

نظرات متفاوتی از اندیشمندان حوزه مهندسی ژنتیک نسبت به محصولات دست کاری شده وجود دارد و همین امر موجب می شود، درباره فواید و مضرات آن تردیدهایی جدی ایجاد شود؛ بنابراین با توجه به اینکه به طور کلی اطمینان قطعی در رابطه با بی ضرر بودن مصرف تراریخته‌ها وجود ندارد، ضروری است پژوهشی جامع در رابطه با این مواد انجام شود.

در همین راستا برای از بین بردن تحیر مکلفین، کتب و مقالاتی به رشته تحریر درآمده است تا بتوانند زمینه رسیدن به حکم واقعی را برای مکلفان مهیا نمایند؛ اما علی رغم انجام تحقیقات اشاره شده، همچنان تردید در حکم وجود دارد؛ در حالی که بر اساس مشاهدات، روز به روز تولید و واردات و مصرف این محصولات عملاً در حال افزایش است.

هر یک از آثاری که در این زمینه به رشته تألیف درآمده، موضوع را از جنبه خاصی بررسی کرده است؛ به عنوان مثال، کتاب حکم تراریخته‌ها از منظر دین، نوشته حمیدرضا حیدری، بیشتر به موضوع شناسی در آن پرداخته است؛ همچنین در کتاب نفوذ بیولوژیک در بستر تجارت تراریخت، تألیف علی کرمی و کمیل یوسف شعبی، عمدتاً به بحث نفوذ از طریق محصولات تراریخته پرداخته شده است. کتاب‌ها مقالات دیگری نیز درباره مضرات و فواید محصولات تراریخته نوشته شده و به چاپ رسیده که در آن‌ها مبانی فقهی مهندسی ژنتیک و محصولات تراریخته و حکم تکلیفی تولید محصولات تراریخته از منظر فقه امامیه، بحث و بررسی می شود. در این پژوهش، برخی ادله متخصصین موافق و مخالف بحث شده و تاثیراتی که استفاده از محصولات غذایی مختلف از جمله مواد تراریخته بر روی رفتار و عملکرد انسان می تواند داشته

باشد، با توجه به آیات و روایات بررسی شده است؛ ضمن اینکه به مستندات قواعد فقهی نیز اشاره گردیده است.

۱- کلیات

۱-۱- مفهوم‌شناسی

تبیین واژه‌ها و مفاهیم کلیدی موضوع پژوهش از مهم‌ترین بخش‌های هر تحقیق علمی به‌شمار می‌رود؛ زیرا برخی واژگان، معانی و کاربردهای لغوی یا عرفی یا اصطلاحی گوناگون دارند و برخی دیگر از معنای واحد و مصداق‌های متفاوت برخوردارند؛ ازاین‌رو ضروری است قبل از ورود به بحث، حکم فقهی مصرف تراریخته‌ها و مفهوم واژه‌های کلیدی پژوهش بررسی شود.

۱-۱-۱- مفهوم تراریخته

تراریخته در لغت و اصطلاح علمی، دارای معانی مختلفی است. به دلیل جدید بودن این واژه در فرهنگ‌های لغت معنای این واژه مرکب ذکر نشده است. در زبان انگلیسی «organism» به موادی گفته می‌شود که در برگیرنده مواد ژنی است و در آن DNA از اندامگان نامرتبیطی تزریق شده است. مترادف انگلیسی این واژه «transgenic» می‌باشد. (www.parsi.wiki/fa/wiki) در اصطلاح علم بیوتکنولوژی، تراریخته به موجودات زنده دست‌کاری شده ژنتیکی، اعم از میکروارگانیسم‌ها و جانوران و گیاهان گفته می‌شود؛ به این معنا که ویژگی‌های ژنتیکی آنان تغییر کند و صفات و ویژگی‌هایی که قبلاً در آن‌ها وجود نداشته، ایجاد گردد. این امر در حالت عادی و به‌صورت طبیعی در لقاح و کشت بین این موجودات و گیاهان اتفاق نمی‌افتد. فناوری تولید محصولات تراریخته از شاخه‌های مهندسی ژنتیک و زیرمجموعه زیست‌فناوری است.

۱-۱-۲- تراریخته

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان محصولات اصلاح شده ژنتیک را به سه دسته اینترجنسیس و سیسجنسیس و ترانسیجنسیس (تراریخته) و دیگر محصولات اصلاح شده تقسیم‌بندی نمود

(Holme, 2013: 395). به محصولاتی که از طریق مهندسی و اصلاح ژن‌های یک ارگانیسم به دست می‌آیند، اصطلاحاً «تراریخته» می‌گویند که معادل Organism Genetically Modified (GMOs) است. (احسانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

۱-۲- تغذیه

۱-۲-۱- اهمیت تغذیه در اسلام

در قرآن، آیات زیادی درباره غذا وجود دارد و به انسان توصیه شده است که غذای پاکیزه و حلال مصرف کند؛ زیرا تغذیه صحیح موجب سلامت جسمی و روحی و اجتماعی می‌شود. در اسلام توصیه‌های فراوانی از جانب خداوند و پیامبر ﷺ و ائمه اطهار (علیهم‌السلام): در زمینه تغذیه صحیح و سالم ارائه گردیده است؛ لذا با توجه به جهانی بودن دین مبین اسلام، توصیه‌های آنان درباره تغذیه و نیز میزان هم‌خوانی محصولات تراریخته با این توصیه‌ها، با دقت بررسی می‌شود. (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۰)

۱-۲-۲- احکام تغذیه در اسلام

در دین اسلام خوردن و نوشیدن دارای احکام و آداب ویژه‌ای است؛ به‌عنوان مثال، پاسخ این پرسش‌ها که خوردن چه چیزهایی حلال و خوردن چه چیزهایی حرام است در این احکام بیان شده است؛ به همین جهت، غذاها و خوردنی‌ها دارای اقسام متفاوتی است؛ از جمله: غذاهای حلال یا حرام یا مکروه که هرکدام مصادیق خاصی دارند؛ از جمله خوردن و نوشیدن آنچه که به جسم و جان انسان ضرر برساند، حرام شمرده شده است.

در روایات معتبر، ائمه طاهرين (علیهم‌السلام) تلاش برای به دست آوردن روزی حلال را جهاد فی سبیل الله شمرده‌اند. در کتاب کافی شریف تحت عنوان «بَابُ مَنْ كَدَّ عَلَى عِيَالِهِ» سه روایت صحیح السند در این مضمون آورده است (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۵/۸۸). شیخ صدوق به صورت جزمی با عبارت «قال» از رسول الله ﷺ مرسل نقل کرده است: «الكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳/۱۶۸)؛ «آنکه خانواده خویش را از حلال روزی می‌دهد، مانند مجاهد در راه خدا است.» بنابر نظر برخی از علماء، مطلق مراسیل شیخ صدوق (عاملی، ۱۴۲۴ق: ۳۶) و برخی از محققان مانند آیت الله بروجردی رحمته‌الله و حضرت امام خمینی قدس سره،

مراسیل جازمانه شیخ صدوق را معتبر دانسته اند. (بروجردی، بی تا: ۳۵۱/۲؛ خمینی، بی تا:

(۳۷۷/۲)

۱-۲-۳- تأثیر استفاده از محصولات تراریخته بر رفتار و اعمال انسان

دیدگاه اسلام در خصوص تأثیر مهم غذا در سلامت روح و جسم، کاملاً روشن و اثبات شده است. آیاتی در قرآن بر این موضوع دلالت دارند. بیش از صدها آیه قرآنی و ده‌ها روایت از حضرات معصومین (علیهم‌السلام) بر اهمیت غذا و تغذیه دلالت می‌کنند که برخی از این آیات به نقش تغذیه و ارتباط آن با عملکرد انسان ارتباط دارد؛ مثل آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (مومنون/ ۵۱، سوره بقره/ ۱۷۲)؛ «ای پیامبران، از غذاهای پاکیزه (و پسندیده) بخورید و کار نیکو انجام دهید، همانا من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم.» بنابراین، انجام تحقیق و بررسی در خصوص آثار این محصولات از جنبه‌های مختلف پزشکی و زیست‌محیطی و البته فقهی و حقوقی می‌تواند راهگشای مسئولان در تصمیم‌گیری صحیح در خصوص مصرف محصولات تراریخته باشد (رزمخواه، ۱۳۹۳: ۱۰). در این مقاله سعی بر آن است تا به ابعاد فقهی و شرعی این قضیه پرداخته شود. به امید آنکه راهگشای مناسبی در راستای انجام اقدامات درست و اصولی از طرف مسئولان امر باشد.

به نظر نگارنده، با توجه به مطالعاتی که در این مدت راجع به این موضوع انجام شده است و با عنایت به پیچیدگی‌های موجود در بحث سیستم ژنتیک و انتقال غیرطبیعی ویژگی‌ها و صفات از یک موجود به موجود دیگر، ضروری است تا اثبات سلامت کامل محصولات تراریخته، نسبت به مصرف این مواد احتیاط شود.

۲- تراریخته

۱-۲- موضوع‌شناسی فقهی تراریخته

تعریف و شناسایی دو عرصه اصلی شامل: مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی یک موضوع علمی و عرضه آن به فقه، برای ارزیابی دقیق فقهی، جهت یافتن پاسخ سؤالات فقیهانه مربوط به موضوع را، موضوع‌شناسی فقهی می‌گویند؛ لذا موضوع‌شناسی فقهی محصولات تراریخته، نیازمند

ارزیابی دقیق علمی و فقهی بین رشته‌ای خواهد بود.

۲-۱-۱- فقه و زیست‌فناوری

به‌طورکلی، فقه از باب مقدمه به موضوعات هم می‌پردازد. در واقع «اجتهاد، فعالیتی مرکب از موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی است و نسبت موضوع و حکم، نسبت سبب و مسبب است؛ موضوع، نقش علت و حکم، نقش معلول را ایفا می‌کند.» (صدر، ۱۹۷۸: ۱/۱۵۸)؛ به همین خاطر در این مبحث به شناخت موارد مرتبط با موضوع پرداخته خواهد شد؛ چراکه تبیین موضوعات احکام و اصطلاحات این حوزه به‌عنوان پایه مباحث فقه زیست‌فناوری، ضروری است و لازم است توضیح داده شود.

۲-۱-۲- علم ژنتیک و ژن

اساس و پایه مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی، انتقال یک ژن یا تعدادی از ژن‌های یک ارگانیسم به درون ژنوم یک ارگانیسم دیگر است؛ به‌این ترتیب ارگانیسم جدید، واجد ژن‌هایی خواهد شد که در گذشته فاقد آن بوده است و با توجه به ورود ژن جدید، وادار می‌شود که در شرایط محیطی مناسب، اقدام به بیان آن ژن نماید؛ در نتیجه محصول آن می‌تواند به بروز صفت خاص یا تولید فراورده‌ای خاص منجر شود. (استانسفیلد، ۱۳۸۷: ۱)

الف. ژنتیک

ژنتیک، شاخه‌ای از زیست‌شناسی است که با وراثت و تنوع مرتبط است. واحدهای وراثتی که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند (به ارث می‌رسد)، ژن نامیده می‌شوند. ژن‌ها در ملکول‌های بلند داکسی ریبونوکلیتیک اسید (DNA) موجود در تمامی سلول‌ها قرار دارند. DNA همراه با یک ماتریکس پروتئینی، نوکلئوپروتئین را تشکیل می‌دهد و به‌صورت ساختمان‌هایی به نام کروموزوم موجود در هسته یا ناحیه هسته سلول‌ها سازمان‌دهی می‌شود. ژن، حاوی اطلاعات رمزکننده برای تولید پروتئین‌ها می‌باشد. (استانسفیلد، ۱۳۸۷: ۱)

ب. ژن

ژن‌ها واحد اصلی وراثت در تمام موجودات زنده هستند. یک ژن، واحد اصلی وراثت بوده و قسمتی از دی‌ان‌ای می‌باشد که شکل یا عملکرد یک موجود را با روش‌های خاص تحت تأثیر

قرار می‌دهد. تمام موجودات زنده، از باکتری‌ها تا جانوران، دستگاه‌های اساسی یکسانی که توسط دی‌ان‌ای کپی شده و به پروتئین ترجمه می‌شوند را به اشتراک می‌گذارند.

ژن به‌طور خلاصه به یک ردیف از اجزای تشکیل‌دهنده مولکول DNA گفته می‌شود که کروموزوم‌ها در هسته سلول تشکیل می‌دهند. مولکول DNA، رمز اطلاعات ژنتیک را با خود دارد و هر نوع تغییر در این رمز باعث تغییر در پیام ژنتیکی صادره شده از آن می‌شود و در نتیجه تولید پروتئین جدید رخ می‌دهد. ژن در ساختن همه سلول‌ها و در نهایت در ساختن همه اعضای مختلف بدن مثل مغز، قلب، ماهیچه‌ها و... نقش دارد (Lewin, 2008). هر جهش در ژن امکان دارد در تولید پروتئین در سلول اثر بگذارد و چنانچه این جهش در ژن‌های موجود در سلول‌های مغز اتفاق بیفتد، منجر به تغییر در فعالیت‌های مغز و به ناچار تغییر در رفتار انسان می‌شود. (رضویان، ۱۳۹۷: ۱۷-۲۰)

به نظر نگارنده با توجه به بررسی و مطالعه انجام شده، یکی از کاربردهای مهندسی ژنتیک، تولید محصولات دست‌کاری شده ژنتیکی یا همان تراریخته است که گروهی از کارشناسان بیوتکنولوژی، تولید این محصولات را زیان‌آور دانسته و در نتیجه به مخالفت با آن برخاسته‌اند و در مقابل گروه دیگر بر مبنای فواید حاصل از تراریخته، تولید آن را امری لازم و ضروری دانسته‌اند. با وجود اختلاف اندیشمندان، یقیناً صدور حکم در مسئله تراریخته، نیازمند بررسی دقیق اقوال هر دو گروه و ارزیابی ادله و مستندات آن‌ها خواهد بود. در این مجال، حکم شرعی مصرف این گونه محصولات بررسی خواهد شد.

۲-۲- بررسی ادله موافقان و مخالفان تراریخته

بر اساس نظر موافقان، استفاده از محصولات تراریخته، امروزه زیست‌فناوری با تولید محصولات اصلاح شده ژنتیکی، دارای ویژگی‌های مطلوب و در مقیاس بالا، تأثیر قابل‌توجه و تأمل‌برانگیزی بر جامعه بشری گذاشته است. محصولات اصلاح شده ژنتیکی و تراریخته با ویژگی‌های مطلوب بهبودیافته، مزایای بسیاری نسبت به گونه‌های غیرتراریخته خود دارند.

(Ahmad, Parvaiz, 2012, 524)

همچنین کشت محصولات تراریخته به‌عنوان راه‌حلی برای تولید و تأمین غذای بیشتر

و سالم‌تر برای مبارزه با گرسنگی جهانی مطرح است و استفاده از سطح زیر کشت کمتر و بازدهی بیشتر، افزایش عملکرد و کاهش هزینه آفت‌کش‌ها، سود بردن مصرف‌کننده‌ها با خرید محصولات ارزان‌تر، حفظ تولید محصول در شرایط کم‌آبی با پرورش گیاهان مقاوم به خشکی (مرتضوی، ۱۳۹۶: ۳۵)؛ از جمله مواردی است که موافقان محصولات تراریخته بیان کرده‌اند و با تکیه به همین موارد، کشت تراریخته را مقرون به صرفه می‌دانند.

در مقابل موافقان، گروهی با ادله دیگری نظری مخالف دارند و علت آن را هم کاهش برداشت در برخی محصولات تراریخته نسبت به ارگانیک می‌دانند. همچنین استدلال می‌کنند که مقاوم بودن به یک آفات، تضمین کننده سلامت آن محصول نیست.

علاوه بر بحث اقتصادی، از نظر زیست‌محیطی هم شاهد ادله متناقض از جانب هر دو گروه هستیم؛ برخی کاهش مصرف سموم شیمیایی (علف‌کش، حشره‌کش، آفت‌کش)؛ کاهش باقی‌مانده آفت‌کش‌ها در طبیعت، حفظ تنوع زیستی و محیط‌زیست با جلوگیری از نابودی درخت‌زارهای جهان برای تأمین زمین‌های زراعی، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای با کشت گیاهان تراریخته مقاوم به علف‌کش و عدم نیاز به شخم زدن زمین، تأثیر مثبت بر اکوسیستم خاک، کاهش فرسایش خاک از طریق انجام کشت بدون خاک‌ورزی و بدون نیاز به تراکتور و ادوات کشاورزی و تأثیر مثبت محصولات تراریخته بر منابع آب را به عنوان ادله زیست‌محیطی استفاده از تراریخته عنوان نموده‌اند. (مرتضوی، ۱۳۹۶: ۴۴)

برخی دیگر نیز اثر گیاهان تراریخته بر کاهش تنوع زیستی، گسترش علف‌های هرز مقاوم به علف‌کش، جریان انتقال ژن از گیاه زراعی به گونه‌های علف هرز مشابه، نابود شدن منابع زیستی و ژنتیکی ارزشمند، آسیب رساندن به گونه‌های غیرهدف و تأثیرات منفی بر فرایندهای اکوسیستم را به عنوان دلایل مخالفت خود بیان کردند. (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴)

دلیل دیگری که موافقان و مخالفان راجع به آن اظهار نظر نموده‌اند، بحث وجود یا عدم وجود اثرات احتمالی هدفمند بر سلامت و باروری نسل‌هاست.

کسانی که موافق تولید محصولات تراریخته هستند، ادله‌ای برای دیدگاه خودشان بیان می‌کنند؛ مثلاً اظهار می‌دارند اگر موضوع بیوتروسیسم در کار باشد، این محصولات نباید در

کشورهای تولیدکننده استفاده شود؛ اما ما می‌بینیم که ۶۰ درصد از محصولات دست‌کاری شده ژنتیکی که در کشورهایی مثل ایالات متحده آمریکا تولید می‌شود، در همان‌جا نیز مصرف می‌گردد.

دلیل دیگری هم که به آن تمسک کرده‌اند، این است که ابتلا به انواع سرطان‌هایی که از مصرف بیش از اندازه سموم شیمیایی به وجود می‌آیند، کاهش می‌دهد؛ همچنین انگیزه‌های مخالفت با محصولات تراریخته را بیشتر سیاسی می‌دانند. (Freedman, 2013, 80)

کسانی که از نگاه بیوتروریسم مخالف این محصولات هستند، می‌گویند از ویژگی‌های جنگ‌های زیستی و بیولوژیکی، مجهول بودن فاعل، ارزان قیمت بودن محصول، فراگیری وسیع در محیط زیست، آلوده کردن منطقه وسیعی در مدت کوتاه و قابل اثبات نبودن منشأ تهاجم است؛ از این رو، سلاح زیستی، موجود زنده‌ای است که در آزمایشگاه دست‌کاری شده تا بتواند مأموریت خود را علیه مردم و کشورها به انجام برساند.

برخی از موارد دیگری که مخالفان به عنوان دلیل از آن‌ها استفاده کرده‌اند، آسیب‌هایی است که این محصولات به مرور زمان در انسان ایجاد می‌کند و به سلامت انسان‌ها آسیب می‌رساند که عبارت‌اند از:

۱. ایجاد مقاومت به آنتی‌بیوتیک‌ها؛ ۲. آلرژیک بودن آن‌ها؛ ۳. بیماری‌زا بودن آن‌ها با توجه به استفاده از ویروس و باکتری؛ ۴. استفاده از علف‌کش گلایفوسیت و ایجاد سرطان.
- محصولات تراریخته ژنتیکی، قدرت و پول و کنترل غذای جهان را در اختیار تعداد محدودی شرکت تهیه‌بذر و محصولات شیمیایی و کسانی که از آن‌ها نفع می‌برند، قرار می‌دهد (Haspel, 2013) و این باعث می‌شود که در اینجا موضوع نفوذ و سلطه بیگانگان بر کشورهای مسلمان مطرح شود که طبق قاعده فقهی نفی سیل ممنوع است.

۳- تبیین حکم فقهی

مسائل و موضوعات مستحدثه عبارت‌اند از: «هر موضوع جدیدی که حکم شرعی آن دارای دلیل منصوصی نباشد.»؛ چه اینکه موضوع در گذشته وجود نداشته باشد و چه اینکه وجود داشته

باشد؛ اما به واسطه تغییری که در برخی از ویژگی‌ها و شرایط و قیودش ایجاد شده است، به صورت موضوعی جدید جلوه گر شده باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۶۳۶)

محصولات تراریخته از جمله مسائل نو پیدا و مستحدثه است که تعیین حکم شرعی مصرف این گونه محصولات، بحث اصلی این مقاله است و این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که مصرف این مواد شرعاً جایز و حلال می‌باشد یا خیر؟

در ابتدا باید عناوین معتبر فقهی را با مسائل عینی خارجی محصولات دست‌ورزی شده تطبیق دهیم؛ به این ترتیب، عناوین معتبر فقهی، در نقش حد وسط بین احکام و موضوعات عینی عمل می‌کنند؛ اما مسئله‌ها و عناوینی که در کالاهای دست‌ورزی شده معتبر هستند، یک عنوان و یک مسئله نیستند؛ بلکه از جهات مختلف با عناوین متمایزی اعتبار می‌یابند.

این عناوین (اصل دست‌ورزی زیستی و حکم تولید و مصرف محصولات دستکاری شده ژنتیکی توسط مردم) باید با دقت شرعی بررسی شود؛ لذا این عنوان‌ها در فقه دارای چند نوع حکم هستند که عبارت‌اند از: حکم واقعی و حکم ظاهری (در مقام جهل به حکم واقعی) و حکم ثانوی (در مقام اضطرار و بحران و... در مرحله امتثال حکم واقعی) به این ترتیب مسائل گوناگون فقهی کلان به وجود می‌آید که هر کدام به‌طور مجزا باید مطالعه شود.

۳-۱- حکم تکلیفی اولیه تراریخته‌ها

بعث یا زجر مکلف از سوی شارع بر انجام یا ترک یک فعل و عمل، حکم تکلیفی نام دارد. این احکام تحت عناوین وجوب، استحباب، کراهت، اباحه و حرمت در شریعت مقدسه ظاهر می‌شوند. درباره تراریخته‌ها، مقصود بیان حلیت و حرمت شرعی استفاده از آنهاست که آیا مصرف غذایی محصولات تراریخته جایز است یا خیر؟

بنا بر ادله قرآنی و روایی، حکم اولیه در اشیاء اباحه و حلیت است؛ به عنوان نمونه، در قرآن کریم آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (بقره، ۱۶۸)؛ یعنی «ای مردم، از آنچه در زمین برای شما حلال و پاکیزه است، بخورید و برخوردار شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار

است.»

دلیل دیگر قرآنی این حکم، عبارت از این آیه شریفه است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ (بقره/۲۹) یعنی «اوست آن کسی که تمام آنچه در زمین است را برای شما آفرید». خداوند متعال در این آیه شریفه به بندگان خود مَنّت می‌نهد که آنچه در روی زمین می‌باشد، جهت آسایش و بهره‌مندی آنان خلق کرده است. یقیناً مقصود آن چیزهایی است که از آن‌ها بهره برده می‌شود؛ پس چیزی که در آن ضرررسانی است یا خالی از فایده و بهره‌وری است، نمی‌تواند در مقام امتنان واقع شده باشد؛ چون فردی نمی‌تواند با وجود نعمت غیرحلال بر دیگری مَنّت نهد؛ چراکه این عمل از نظر عقل، قبیح و نامربوط می‌باشد؛ پس تمام اشیاء در اصالت اباحه باقی می‌مانند، جزء آنچه را که دلیل، آن را به نحو ثانوی خارج ساخته است. (حلی، ۱۳۷۳: ۲/۲۹۸)

در روایات منقول از اهل بیت (علیهم‌السلام) هم به اصل اباحه اشاره شده است. به عنوان نمونه یک روایت ذکر می‌شود. در روایتی از محمد بن علی بن الحسین بن بابویه عن الصادق (علیه‌السلام) أنه قال «كُلُّ شَيْءٍ مُّطْلَقٌ حَتَّى يَرَدَّ فِيهِ نَهْيٌ» (صدوق، ۱۳۴۳: ۱/۳۱۷).

این حدیث ظاهراً مرسل است؛ چون سندی برای آن ذکر نشده است؛ ولی محققین می‌گویند: چون صدوق با لفظ (قال) آن را به امام (علیه‌السلام) منتسب می‌داند؛ بنابراین در صحت روایت جازم بوده است. کتاب من لایحضره الفقیه یکی از کتب اربعه است که شهرت و اعتبار مانند آفتاب روشن است (مثل خورشید در ساعت چهارم روز که هیچ کس در اعتبارش شک ندارد). و احادیث آن بدون اختلاف در شمار احادیث صحیح شمرده می‌شود و کسی از علما خلاف این نظر را ندارد؛ تاجایی که شهید ثانی (رحمته‌الله) با آن شیوه خاص اعتباربخشی احادیث که دارد، احادیث این کتاب را از صحیحات نزد خود و همگان می‌داند و شاگردش شیخ ارجمند شیخ عبداللطیف، روایت کرده که از او (شفاهی) شنید که فرمود: «هر مردی که شهید ثانی او را در صحیح خود یاد کرده، همین ذکر، اصل را بر عدالت فرد مذکور می‌گذارد.»

از صحابه کسانی هستند که به دلیل دقت شیخ صدوق (رحمته‌الله) و توجه و تدقیق خوب او در روایت و تأخیر و جدیدتر بودن کتابش نسبت به کافی، احادیث فقهی این کتاب را بر چهار کتاب دیگر ترجیح می‌دهند؛ البته تضمین شیخ صدوق بر صحت آنچه نقل می‌کند و اینکه بنا نداشته

و نخواست که همه آنچه را نقل کرده‌اند فهرست کند؛ بلکه فقط آنچه را که به صحتش اعتماد دارد و بر اساس آن فتوا می‌دهد و قضاوت می‌کند در آن ذکر می‌کند و معتقد است که آنچه می‌گوید بین او و پروردگارش حجت است.

با این ملاحظه‌ای که گفته شد، مراسلات صدوق در فقه، مانند مراسلات ابن‌ابی‌عمیر، صحیح و معتبر است و این ویژگی از ویژگی‌های این کتاب است که در دیگر کتب صحابه دیده نمی‌شود. (بحر العلوم بروجردی، ۱۴۰۵: ۳/۳۰۰)

پس وقتی گفته می‌شود اصل اولی در اشیا و افعال اباحه است؛ یعنی اصل اولی در همه کارها و اشیا قبل از آنکه حکمی درباره آن وضع شود، اباحه است؛ یعنی بر ترک یا انجام دادن آن کیفر یا پاداشی مقرر نشده است؛ بنابراین نمی‌توان عملی را حرام دانست؛ مگر آنکه دلیلی از طرف شارع بر آن وارد شده باشد و در محصولات تراریخته، حکمی از طرف شارع صادر نشده است؛ پس اصل اولیه در مورد آن‌ها اباحه خواهد بود.

۳-۲- حکم ثانویه تکلیفی تراریخته‌ها

گیاه تراریخته به گیاهی گفته می‌شود که یک یا چند ژن محدود را از گونه‌های دیگری به‌جز خزانه ژنتیکی آن گیاه از طریق روش‌های مدرن ژنتیک مولکولی و مهندسی ژنتیک دریافت کرده باشد (خرام، ۱۳۹۹/۱۵)؛ اگرچه اصل اولیه در شبهات بدویه حکمیه تحریمیه، حلیت و برائت از حرمت است و موضوع تراریخته‌ها از جمله مصادیق این نوع از شبهات حکمیه است؛ لکن اثبات این حکم، وقتی صحیح است که عنوان ثانوی مستلزم حرمت در این گونه موضوعات بر آن‌ها عارض نباشد و در مورد تراریخته‌ها چند عنوان را امکان صدق بر آن وجود دارد و تحت این عناوین ثبوت حکم ثانوی برای محصولات تراریخته قابل ملاحظه است. آن عناوین عبارت است از: تغییر ژنتیک و حکم حرمت برای آن، لزوم نفی سبیل کافر بر مؤمن، ضرر و اضرار و دفع ضرر محتمل.

۳-۲-۱- تغییرات ژنتیکی

آیا اساساً مهندسی تغییرات ژنتیکی گیاهان و جانداران از نظر فقهی جایز است یا خیر؟ اگر

گفتیم جایز نیست، محصولات تراریخته هم که نوعی تغییر ژنتیکی در گیاهان محسوب می شود، تولید و تجاری سازی و مصرف آن متأثر از این حکم قرار می گیرد.

۳-۲-۱- جایگاه مسئله تغییرات ژنتیکی در فقه امامیه

باتوجه به اینکه مسائل برآمده از دانش مهندسی ژنتیک از موضوعات مستحدثه فقه به شمار می رود و از لحاظ موضوع شناسی در میان ابواب فقهی، موضوعی مشابه این مسئله یافت نمی شود و به عبارتی، گستره مسئله مورد بحث، خارج از چارچوب های نظام فقه است؛ لذا باید با استفاده از ضوابط اجتهادی فقه به تحلیل آن دسته از آیات قرآن کریم پردازیم که بیشترین سنخیت را با بحث حاضر دارند.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آن ها از بحث تسخیر طبیعت توسط انسان سخن به میان آمده است. پیامی که از این آیات برداشت می شود این است که تسخیر طبیعت توسط انسان بر پایه خواست و اراده الهی صورت گرفته است و به این جهت، هرگونه تسخیر در آفرینش جایز است؛ به عنوان نمونه می توان به این آیات استناد نمود: خداوند متعال در قرآن می فرماید: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُونَ﴾ (جاثیه/۱۳) و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، همه از اوست که برای شما رام نمود، همانا در این تسخیر برای کسانی که فکر کنند، نشانه هایی است.

تنها آیه ای که به نحوی بر حرمت تغییر خلقت دلالت دارد، آیه ۱۱۹ سوره نساء است؛ لذا یکی از وسوسه های شیطان، واداشتن انسان به ایجاد تغییر در مخلوقات الهی است: ﴿وَلَا ضَلٰلَئِلُهُمْ وَلَا مٰیئِیَّتُهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلَیْسَ لَکُنَّ اَذَانَ الْاَنْعَامِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلَیْغَیْرُنَّ خَلْقَ اللّٰهِ وَمَنْ یَّتَّخِذِ الشَّیْطٰنَ وَلِیًّا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِیْنًا﴾ (نساء/۱۱۹)

نظرات مختلفی درباره مفهوم عبارت «تغییر خلق الله» از سوی مفسران بیان شده است، از جمله گفته شده مراد تغییر دین خدا، (قرشی، ۱۳۷۴: ۲/۶۴۴) عقیم کردن حیوانات و خالکوبی کردن و پیروی از رسوم جاهلیت مبنی بر نقص عضو حیوانات است. (انصاری، ۱۳۹۱: ۲/۶۹۷) بحث های مفصل تری راجع به این آیه شده است که مجال پرداختن به آن ها نیست.

۴- قواعد فقهی و اصولی در اثبات حکم عدم جواز مصرف محصولات

دستکاری شده ژنتیکی

در این رابطه برخی قواعد از قبیل قاعده لاضرر و دفع ضرر محتمل و قاعده نفی سبیل، برای اثبات حکم عدم جواز مصرف محصولات دستکاری شده ژنتیکی، استفاده و بررسی می گردد.

۴-۱- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر، از قواعد معروف بین فقهای مسلمان است و مشهور در تفسیر قاعده این است که مفاد و مضمون آن، نفی حکم ضرری است که در بسیاری از فروعات فقهی، آثار مهمی دارد. (سیستانی، بی تا: ۹/۱) برای اثبات این قاعده، به ادله قرآنی و روایی و عقلی استدلال شده که به بعضی از آنها اشاره می گردد.

۴-۱-۱- حکم فقهی تراریخته ها در حالت ضرری

مسئله تراریخته ها چنانچه ضرری بودن آنها ثابت باشد، به ادله مختلف، حکم حرمت برای استفاده و تصرف در آنها ثابت می شود، آن ادله عبارت اند از:

۴-۱-۲- ادله حکم محصولات تراریخته در صورت ضرری بودن

دلیل اول: حکم عقل

هرگاه انسان حتی احتمال ضرر در چیزی بدهد و یا عملی را موجب ضرر بداند، به حکم عقل باید از آن اجتناب کند تا از وقوع ضرر و زیان ایمن بماند؛ بر همین اساس، چنانچه شخص به این احتمال اعتنا نکند و بر عمل مزبور اقدام نماید و نهایتاً دچار ضرر گردد، عقلاً او را مذمت خواهند کرد.

انطباق این دلیل بر موضوع محصولات تراریخته بدین گونه است که بدون شک احتمال ضرری بودن استفاده از تراریخته ها در نگاه برخی امری مسلم و ثابت است و دفع ضرر هم به حکم مستقل عقل، واجب است.

دلیل دوم: آیات قرآن

شماری از آیات در قرآن کریم،^۱ دلالت بر کبرای کلی حرمت ضرر و اضرار به خود و

۱. بقره/۲۳۳؛ طلاق/۶؛ بقره/۲۸۲؛ نساء/۹۵؛ بقره/۲۳۰؛ توبه/۱۰۷؛ نساء/۱۲.

دیگری دارند که بحث بیان حکم ثانوی محصولات تراریخته، به نحو صغروی به استناد این آیات قابل استنباط می‌باشد.

بیان شکل منطقی صورت قیاس مسئله بدین گونه است:

تولید و مصرف محصولات تراریخته موجب ایجاد ضرر نسبت به سلامتی انسان می‌شوند.
(صغری)

ایجاد ضرر و اضرار به خود و دیگران جایز نیست. (کبری)

بنابراین، تولید و مصرف محصولات تراریخته جایز نیست. (نتیجه)

اثبات صغرای این قیاس، امری خارج از مباحث فقهی است؛ بلکه مربوط به حوزه موضوع‌شناسی در باب اشیا از جهت مضرات و منافع برای بدن انسان است که در این زمینه باید به کارشناسان این فن رجوع نموده و واقعیت امر را از زبان و گفته آنان مطلع شد. از نگاه مخالفان، برخی آسیب‌هایی که این محصولات به مرور زمان در انسان ایجاد می‌کند و به سلامت انسان‌ها آسیب می‌رساند، عبارت‌اند از: ایجاد مقاومت به آنتی‌بیوتیک‌ها، آلرژن بودن آن‌ها، بیماری‌زا بودن آن‌ها با توجه به استفاده از ویروس و باکتری، استفاده از علف کش گلایفوسیت و ایجاد سرطان و

دلیل سوم: استدلال به قاعده لاضرر

برای اثبات حکم ثانوی محصولات تراریخته، به احادیث نیز تمسک شده است. عمده‌ترین دلیل بر اثبات حکم ثانوی حرمت تراریخته، حدیث معروف «لاضرر و لاضرار» است. اهمیت این حدیث در حدی است که در میان فقها به صورت یک قاعده تحت عنوان قاعده لاضرر مطرح شده و این به خاطر کاربرد وسیع حدیث در موضوعات و باب‌های مختلف فقهی است.

این حدیث در ذیل برخی از موضوعات فقهی از زبان ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بیان شده، ولی عمده آن‌ها ذیل تحلیل حدیث در داستان سمره بن جندب است. (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۵/۲۹۴)

به لحاظ سند این حدیث مورد قبول فقها قرار گرفته است؛ لذا اگر ضعفی هم در نقل آن وجود داشته باشد، این ضعف به عمل اصحاب جبران گردیده و این مطلبی روشن و بدیهی است.

۴-۲- قاعده دفع ضرر محتمل

قاعده دفع ضرر محتمل، از قواعد عقلی است که مضمون آن حکم عقل به دفع ضرر محتمل و یا مظنون است؛ بنابراین، اگر انسان درباره چیزی احتمال ضرر بدهد، از نظر عقل، دفع آن ضرر محتمل واجب است. این قاعده در مباحث مختلف اصول، مثل بحث حجیت مطلق ظن، کاربرد دارد. در بحث حجیت مطلق ظن گفته شده ظن به حکم شرعی، با ظن به ضرر ملازم است و دفع ضرر مظنون از نظر عقل واجب است؛ پس عمل به ظن واجب است. در بحث احتیاط نیز یکی از ادله عقلی که برای وجوب احتیاط به آن استناد شده، همین قاعده است؛ به این بیان که مبنای اصل احتیاط، حکم عقل به دفع ضرر محتمل است؛ یعنی عقل به لزوم دفع ضرر محتمل حکم می‌کند، و هرگاه در مورد ترک یا انجام کاری، احتمال ضرر باشد، عقل به احتیاط حکم می‌کند. (جمعی از محققان، ۱۳۸۹: ۶۱۷/۱)

۴-۲-۱- مدارک و مستندات قاعده دفع ضرر محتمل

الف: عقل

مهم‌ترین مستند قاعده «دفع ضرر محتمل» حکم عقل است؛ زیرا عقل، بین ضرر معلوم و ضرر مظنون در دفع کردن، فرقی نمی‌گذارد و اگر کسی بدون دلیل از دفع ضرر خودداری کند، عقلاً او را مذمت می‌کنند؛ از طرفی اگر دفع ضرر محتمل، از نظر عقلی واجب نباشد، ترک آن جایز می‌شود که در این صورت ترجیح بلامرجح حاصل می‌شود که این هم از منظر عقلاً قبیح است. (طباطبایی، ۱۲۹۶: ۵۸۷)

ب: قرآن کریم

همچنین مطابق اظهارات برخی از مفسرین، آیه شریفه که در ذیل آمده است، اصل عقلی دفع ضرر محتمل را با بیان روشن برای کفار لجوج تشریح می‌کند، آیه کریمه، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب کرده می‌فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ﴾ (فصلت/۵۲)؛ «بگو: به من خبر دهید که اگر قرآن از جانب خداوند باشد؛ سپس شما به آن کفر ورزیدید، کیست گمراه‌تر از آنکه در مخالفت شدید با قرآن باشد؟»

در حقیقت، این کلام خدا، آخرین سخنی است که به اشخاص کافر مغرور و متعصب به‌عنوان فصل الخطاب گفته می‌شود که اگر شما حقانیت قرآن، توحید و عالم پس از مرگ را قبول ندارید، مسلماً دلیلی بر نفی آن نیز ندارید؛ بنابراین، این احتمال باقی است که دعوت قرآن و موضوع معاد و قیامت واقعیت داشته باشد، آنگاه در این صورت چه سرنوشت تاریک و خطرناکی خواهید داشت. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۳۷/۲۷)

ج: روایت

احادیثی که از پیشوایان رسیده نیز این قاعده را تقویت می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، خدمتگزار امام رضا علیه السلام می‌گوید: «یکی از زنداقه، خدمت امام رضا علیه السلام رسید در حالی که جماعتی نزد آن حضرت بودند، امام علیه السلام رو به او کردند و فرمودند: اگر به فرض، نظریه شما (عدم اعتقاد به خدا) صحیح باشد و حال آنکه چنین نیست، آیا قبول داری که در نهایت، ما و شما یکسان هستیم و نماز، روزه، زکات، و اعتراف ما به مبدأ و معاد، برای ما زیانی ندارد؟ زندیق که پاسخی نداشت، سکوت اختیار کرد.» در ادامه امام رضا علیه السلام فرمودند: «اگر نظریه ما (در رابطه با مبدأ و معاد) صحیح باشد؛ درحالی که چنین هم هست، آیا قبول دارید که شما هلاک شده‌اید و ما نجات یافته‌ایم؟»

بنابراین، آنجا که خطر مهم و عظیمی در پیش است، عقل، ما را ملزم به تحقیق و بررسی می‌کند؛ با توجه به این حقیقت است که می‌گوییم ادله خداپرستان، تحقیق می‌شود و اگر کسی با وجود این احتمال، دنبال تحقیق و بررسی نرود، همیشه این نگرانی در وجود او هست که شاید گفتار معتقدین به خدا راست باشد و فرد در اثر سهل‌انگاری، گرفتار عذاب‌های دردناکی شود که برای کافران معین شده است؛ بنابراین احتمال می‌دهد که تحقیق نکردن درباره اصول عقاید برای او ضرر مهم اخروی داشته باشد، هر عاقل و خردمندی می‌داند که اجتناب از هر نوع ضرر، گرچه آن ضرر احتمالی باشد، لازم است.

باتوجه به نظرات مختلف اندیشمندان در مباحث تراریخته که به صورت قطعی ضرر یا عدم ضرر آن‌ها مشخص نشده است؛ اگر احتمال عقلایی ضرر در آن مطرح شود، از این قاعده می‌توان برای حکم عدم جواز مصرف تراریخته استفاده کرد؛ گرچه برخی ضرر در این قاعده را

فقط به ضرر اخروی معنا می‌کنند؛ ولی ظاهر امر این است که این قاعده مطلق باشد. یکی از شروطی که در استفتائات فقهای معاصر در مسئله تراریخته به چشم می‌خورد، شرط عدم ضرر است. فقهای عظام در تمامی مراحل اعم از تولید، توزیع و مصرف تراریخته این شرط را مطرح نموده و حکم جواز را مشروط به آن کرده‌اند. (فتاوی مراجع عظام تقلید درباره محصولات تراریخته: (article.tebyan.net/335692) (الهیاری فرد، ۱۳۹۲: ۷۷/۱) مبنای این شرط، قاعده فقهی لاضرر است. مطابق این قاعده کلی از نظر شرع هر نوع اضرائی، محکوم می‌باشد. بنابراین، قاعده دفع ضرر محتمل می‌تواند یکی از قواعد حاکم بر حکم محصولات تراریخته به‌شمار رود.

۴-۳- قاعده نفی سییل

نفی سییل قاعده‌ای فقهی است، به این معنا که خداوند هیچ حکمی وضع نمی‌کند که سبب تسلط کافران بر مؤمنان شود (بجنوردی و همکاران، ۱۴۱۹: ۱۸۸/۱)؛ به عبارت دیگر، در دین، حکمی نیست که موجب تسلط کافری بر مسلمانی شود. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۲۳۴) فقیهان در ابواب مختلف فقه از این قاعده استفاده کرده‌اند؛ برای مثال، شیخ انصاری با استناد به آن، گفته است فروش برده مسلمان به کافر جایز نیست (انصاری، ۱۴۱۳: ۵۸۱/۳). به گفته عمید زنجانی، این قاعده از قواعد فقهی مهم و شناخته شده است که به‌ویژه در فقه اقتصادی و فقه سیاسی، در همه روابط فردی و اجتماعی بین مسلمانان و غیرمسلمانان، به‌عنوان قانونی کلی جریان دارد (عمید زنجانی، ۱۳۹۸: ۲۴/۳). شیخ انصاری هم نوشته این قاعده بر بیشتر قواعد فقهی تقدم دارد. (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۴۲/۴)

برخی با استناد به این قاعده گفته‌اند راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. این قاعده بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی مسلمانان در حفظ استقلال سیاسی و از بین بردن زمینه‌های وابستگی است. (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶/۳)

قاعده نفی سییل با هر يك از ادله چهارگانه (قرآن، حدیث، اجماع و عقل) قابل استناد است؛

اما مقبول‌ترین و گویاترین سند قرآن است، به گونه‌ای که واژه‌های به کار رفته در قاعده از واژه‌های قرآنی آن انتخاب گردیده است؛ ازاین‌رو ادله بحث را بررسی خواهیم کرد.

۴-۳-۱- مدارك و مستندات قاعده

الف: کتاب

فقها در اولین دلیل برای این قاعده، به آیه شریفه ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء/۱۴۱) استناد نموده‌اند. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید در عالم تشریع هیچ گونه حکمی که موجب علو و سلطنت کفار بر مؤمنین و مسلمین باشد، وجود ندارد و جعل هم نشده است. این حکم چه در باب عبادات و چه در باب معاملات و چه در سیاست، جعل نشده است؛ بنابراین، هر گونه حکمی که از ناحیه آن حکم، زمینه برای سلطنت کافر بر مسلمان باشد به مقتضای این آیه شریفه از صفحه تشریع رفع شده است. (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱/۱۹۱)

ب: روایات

روایات فراوانی دلالت بر این دارد که اسلام و مسلمان از کافران برترند. این حدیث نبوی مشهور از آن جمله است: «الإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفَّارُ يَمْزِلُهُ الْمُؤْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُونَ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۲۴۳)؛ «اسلام دین برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌گیرد و کافران، همانند بردگانند که نه مانع ارث می‌شوند و نه ارث می‌برند.»

این حدیث هم مرسل است؛ چون سندی برای آن ذکر نشده است؛ ولی چنانچه گذشت، بنابر گفته محققان مراسیل صدوق به خصوص مواردی که به صورت جزمی به معصوم منتسب کرده، معتبر است. (بحر العلوم، ۱۴۰۵: ۳/۳۰۰)

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَقَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَذِلَّ نَفْسَهُ أَلَمْ تَسْمَعْ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (طوسی، ۱۳۶۵: ۶/۱۷۹)؛ «خداوند اختیار تمام کارها را به مؤمن داده، اما این اختیار را به او نداده است که ذلیل باشد؛ مگر نشنیده‌ای که خدای تعالی می‌فرماید: و عزت از آن خدا و رسول خدا و مومنین است.»

ج: اجماع علما

همه فقهای عظام، ادعای اجماع کرده‌اند که در اسلام هیچ گونه حکمی تشریع نشده است که موجب سلطه و علو کافر بر مسلم باشد. (دری نجف آبادی و همکاران: ۵۸۸)؛ پس یکی از قواعد مهم فقهی مستنبطه از متن آیات و احادیث منقول از ائمه اطهار (علیهم السلام) قاعده معروف «نفی سبیل» است. طبق این قاعده هرگونه تسلط کفار بر مسلمین ممنوع است. سلطه دشمن بر جامعه اسلامی و مسلمانان از نظر فقه اسلامی، امری ناروا بوده و هرگونه ارتباطی که باعث افزایش و گسترش نفوذ غیرمسلمانان و بیگانگان در جامعه اسلامی گردد؛ به گونه‌ای که آنان بتوانند در امور مسلمین دخالت کنند، بر اساس قاعده فقهی نفی سبیل ممنوع است.

در تطبیق این قاعده بر موضوع تراریخته‌ها و ثبوت حکم حرمت واردات آن‌ها از کشورهای کفار، بخصوص کشورهای غربی و اسرائیلی، می‌توان چنین گفت: یکی از ابزارهای مهمی که به عنوان سلاحی مؤثر علیه کشورهای مستقل و مردم استفاده می‌شود، موضوع غذاست. اهمیت امنیت غذایی به قدری مهم است که اگر کشوری نتواند در تأمین غذای کافی و سالم موفق شود؛ به‌طور قطع، دچار وابستگی و شکست خواهد شد.

غذا یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری است؛ به همین دلیل تأمین غذای کافی و سالم از مهم‌ترین برنامه‌های کشورهاست؛ بر همین اساس، برخی از اندیشمندان از قبیل پروفیسور کرمی در کتاب نفوذ بیولوژیک، واردات و استفاده از محصولات تراریخته در داخل کشور را نوعی تسلط کفار بر مؤمنین می‌دانند که بر اساس «قاعده نفی سبیل» ممنوع است؛ چراکه مواد تراریخته می‌تواند به‌عنوان تهدید بیوتروریستی از سوی دشمن با هدف تسلط بر کشور و مردم نیز به شمار رود.

بیوتروریسم، به معنای انتشار عمدی عوامل بیولوژیکی برای ایجاد بیماری یا مرگ در انسان و حیوانات و گیاهان است؛ اگر واقعاً معلوم باشد که واردات محصولات تراریخته خطراتی برای یک کشور اسلامی به همراه دارد، به حکم «قاعده نفی سبیل» وارد کردن و استفاده از چنین محصولاتی جایز نیست.

نکته دیگری که می‌توان در اینجا به آن پرداخت بحث تلاش برخی شرکت‌ها برای انحصار

بذرهاست که در حال حاضر در اختیار شرکت‌هایی مثل مونساتو و راکفلر است که ماهیت این شرکت‌ها مشخص است.

این تهدیدی بر تسلط بذره‌ای جهان است که بحث سلطه بر کشورها هم مطرح می‌شود. بر اساس تحقیقاتی هم که صورت گرفته، بذرهایی که به نوعی دستکاری ژنتیکی شده است، یک بار که کشت می‌شود، برای بار دوم قدرت باروری را ندارد؛ لذا با این کار، این شرکت‌ها دنبال وابسته کردن کشاورزان و کشورها به خرید بذر از آن‌ها هستند که این یعنی تسلط و نفوذ بیگانگان به یک کشور که بر اساس قاعده نفی سیبل، این نفی می‌شود و نباید اتفاق بیفتد.

آیات^۱ و روایاتی^۲ وجود دارد که دلالت دارند بر ممنوعیت هرگونه ارتباط و داد و ستد؛ اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، که موجب سلطه بیگانگان بر مسلمان شود. فقهای شیعه و اهل سنت، مفاد قاعده نفی سیبل را پذیرفته و بر اساس آن احکام شرعی بسیاری را استنباط کرده‌اند. (رحمانی، ۱۳۸۲/۲/۶) از این رو، بر اساس این قاعده بسیاری از کارها در ارتباط با دولت‌ها و ملت‌های غرب و شرق جایز نیست.

این امور در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی مصادیق فراوان دارد. فروش نفت، خرید اجناسی که مظهر فرهنگ غرب و بی‌دینی است، خرید کالاهایی که سبب افزایش قدرت آنان می‌شود، اجازه برقراری پایگاه‌های نظامی، روی خوش نشان دادن به سفرا و دولتمردان آن‌ها و پذیرش مدهای مختلف در اشکال زندگی و نیز وارد کردن محصولات دستکاری شده ژنتیکی نمونه‌هایی از این مصادیق است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله موضوع حکم فقهی محصولات تراریخته واکاوی شد که پرسش اصلی تحقیق این بود: «حکم فقهی مصرف محصولات تراریخته چیست؟»

۱. نساء/۱۴۱؛ منافقون/۸؛ آل عمران/۲۸.

۲. روایت نبوی «الإسلام یعلو ولا یعلی علیه و الکفار بمنزله الموتی لا یحییون و لا یرثون» (صدوق ۱۴۱۳ ج ۴: ۳۳۴)، عن الامام الصادق (علیه السلام): «ان الله فوض الی المؤمن اموره کلها و لم یفوض الیه ان یکون ذلیلاً اما تسمع الله تعالی یقول و لله العزه».

از مجموع استدلال‌ها و بحث‌هایی که در این مقاله ارائه شد، می‌توان موارد زیر را به اختصار به عنوان پاسخ پرسش تحقیق بیان کرد:

۱. آنچه از ادله قرآنی و روایی و قواعد فقهی استفاده می‌شود، حکم تکلیفی اولیه محصولات دست کاری شده ژنتیکی حلیّت و اباحه است.

۲. حکم تکلیفی ثانویه محصولات تراریخته منوط به ضرر یا عدم ضرر آن‌ها برای انسان و محیط زیست است که در صورت اثبات مضر بودن، حکم به حرمت ثابت می‌شود؛ اما با توجه به نظرات مختلف و متعارض متخصصان امر و با توجه به ابهاماتی که در این خصوص وجود دارد و سلامت این محصولات اثبات نشده است، رعایت جانب احتیاط ضروری به نظر می‌رسد.

۳. با توجه به قاعده نفی سبیل، اگر کشورهای استعمارگر دنبال انحصار بذره‌های کشاورزان باشند و بخواهند برای خرید کردن بذر کشور را وابسته به شرکت‌های خاص یهودی نمایند، خرید و وارد کردن بذر تراریخته از آن‌ها جایز نخواهد بود.

به طور کلی در دنیای پر از مکر و فریب امروزه باید همه جوانب احتیاط را رعایت کرد تا در دام‌های پیچده کشورهای استعمارگر گرفتار نشد.

فهرست منابع

✽ قرآن کریم.

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳، ۱۴۱۳ق.
۲. احسانی، وحید و فرج الله حسینی، سید جمال و لشگرآرا، فرهاد، «بررسی دیدگاه‌های موافقان و مخالفان گسترش پایدار کشت گیاهان تراریخته با تأکید بر تأثیرات آن بر کشاورزی پایدار»، اولین همایش ملی راهبردهای دستیابی به کشاورزی اهواز، دانشگاه پیام نور استان خوزستان، خرداد ماه ۱۳۹۰.
۳. استانسفیلد، ویلیام و سوزان الرود، ژنتیک مبانی و مسائل، ترجمه رضا پیله‌چیان لنگرودی و رضا محمدی، و غلامرضا معتمدی، نشر آیت، ۱۳۸۷ش.
۴. الهیاری فرد، نجف، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره‌ی ششم، ش ۱، فروردین ۱۳۹۲.
۵. انصاری، مرتضی، المکاسب، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۶. انصاری، مسعود، ترجمه تفسیر کشاف، ققنوس، ۱۳۹۱.
۷. بحر العلوم بروجرودی، سید مهدی، الفوائد الرجالیه، ج ۳، تهران: مکتبه الصادق، ۱۴۰۵ق.
۸. بجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۷ش.
۹. جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، بهار ۱۳۸۹.
۱۰. خمینی، سید روح الله، کتاب الطهارة، ج ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا.
۱۱. رحمانی، محمد، «قاعده نفی سبیل از منظر فریقین»، طلوع، ش ۶، ۱۳۸۲.
۱۲. خرام، سید امین، «مسئولیت مدنی ناشی از تولید و فروش محصولات تراریخته»، اندیشه حقوقی، ش ۲، ۱۳۹۹.
۱۳. رزم خواه، نجمه، «محصولات تراریخته کشاورزی و چالش‌های پیش رو در پرتو نظام

- حقوق بین الملل بشر)، دانشگاه پیام نور، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۳.
۱۴. رضویان، سیدمحمد مهدی، «ژنتیک در اسلام و نقدی بر تراریخته‌ها»، طوبای محبت، ۱۳۹۷.
۱۵. زارعی، بهادر و علی زینی‌وند و کمیا محمدی، «قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، ش ۳۶، بهار ۱۳۹۳.
۱۶. سهرابی، اکبر و سپیده دریکوند و محمودرضا سعدی‌خانی، «بررسی اهمیت و نقش محصولات تراریخته در کشاورزی، صنعت و محیط‌زیست»، همایش محصولات تراریخته در خدمت تولید غذای سالم، حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، آذر ماه ۱۳۹۵.
۱۷. سیستانی، سیدعلی، قاعده لاضرر و لاضرار، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی، بی‌تا.
۱۸. سیوری حلی (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ج ۲، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۵ ه.ش.
۱۹. طباطبایی بروجردی، حسین، نهاية التقرير، ج ۳، بی‌نا، بی‌تا.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن بن علی، تهذیب الاحکام، چ ۴، تهران: دار الکتب العلمیه، ۱۳۶۵ ش.
۲۱. عاملی بهاء‌الدین، محمد بن حسین، الحاشیه علی من لا یحضره الفقیه، ص ۳۶، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ره، ۱۴۲۴ ه.ق.
۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها تهران (سمت)، ۱۳۹۲ ش.
۲۳. فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، قم: مرکز فقه الأئمه الأطهار (علیهم‌السلام)، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، ج ۲، بنیاد بعثت، ۱۳۷۴ ش.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه ق.
۲۶. مرتضوی، سیدالیا س و پونه پورامینی، حقیقت درباره محصولات تراریخته، مدیر فلاح، ۱۳۹۶ ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، دائرةالمعارف فقه مقارن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، ۱۳۸۵ ش.
۲۸. نعمتی، علی و محمد مؤذنی و سهیلا عقیلی، «توصیه‌های تغذیه‌ای بر اساس مفاهیم اسلامی»، همایش انسان سالم، کنگره قرآن پژوهی و طب، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، آبان ماه ۱۳۹۰.
29. Ahmad, Parvaiz, et al. "Role of transgenic plants in agriculture and biopharming." *Biotechnology advances* 30. 3 (2012): 524-540.
30. Benjamin Lewin. *Genes IX*. 2008. Sudbury, Massachusetts, U. S. A. Jones and Bartlett Publisher.
31. Freedman, David H. "Are engineered foods evil?" *Scientific American* 309. 3 (2013): 80-85.
32. Holme, Inger Bæksted, Toni Wendt, and Preben Bach Holm. "Intragenesis and cisgenesis as alternatives to transgenic crop development", *Plant Biotechnology Journal* 11. 4 (2013): 395-407.
33. Tamar, B. , & November, H. . *GMO common ground: Where supporters and opponents agree* (2013).